

کوردستان

ارگان کسبه مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کره در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۶۶۹، پنجشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۹۶، ۳۰ آوریل ۲۰۱۷، ۵۰۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

بیانیه کمیسیون تشکیلات حزب دمکرات
در رابطه با حمله نیروهای رژیم
به کولبران کرد

۲ص

دفتر سیاسی حزب دمکرات،
مباران شیمیایی در ادلب سوریه
را محکوم کرد

۲ص

حسن رفقی: مالکی به علت شکست
پروژهی اخراج احزاب روژهلات،
به ایران احضار شده است

۳ص



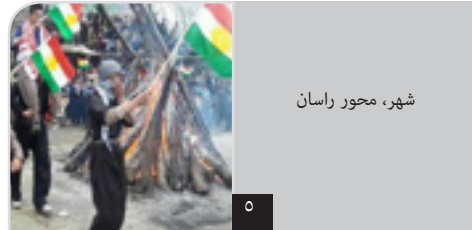
اهمیت هویت در جنوب کردستان
و تعریف نوین ملت

۷



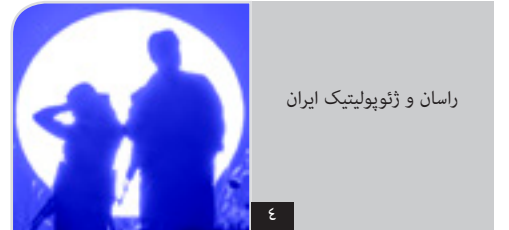
هجوم موشکی محدود
و پیامی نامحدود

۶



شهر، محور راسان

۵



راسان و ژئوپولیتیک ایران

۴

سخن

جهاد سپید

کریم پرویزی

۲۸ سال پیش در ۲۸ مردادماه، خمینی، رهبر رژیم جدیدی که قدرت را کاملاً قبضه کرده بود، علیه ملت کرد فتوای جهاد صادر نمود و با تمامی نیروهای نظامی متعارف و نامتعارف خود کردستان را مورد تهاجم قرار دادند و از هیچ جنایتی برای به زانو در آوردن ملت کرد فروگذار نمودند. این سنت رایج قداره‌کشان و زورمداران است که هنگامی که وارد جایی می‌شوند یا می‌خواهند منطقه‌ای را تسخیر نمایند، پیش از هر شخص و گروهی، افراد یا گروه‌هایی را مورد حمله قرار می‌دهند که نیرومندتر و مقاومتر از بقیه به نظر می‌رسند و در حقیقت، این گردنکشان و زورمداران می‌خواهند با حمله به بازترین، قویترین و مغرورترین افراد و گروه‌ها، توان و وحشیکری خود را اثبات نمایند و با شکست دادن گروه‌ها و افراد مشخص، گروه‌ها و بخش‌های دیگر را مرعوب کنند تا آنان را آسانتر تسلیم خویش نمایند. رژیم خمینی نیز در ایران برای اولین بار از ملت کرد شروع کرد و فرمان جهاد علیه آن صادر نمود تا کردستان را تحت اشغال خویش درآورد و ملت کرد را در هم بشکند و مایه عبرت سایر ملیت‌های ایران نماید تا زودتر تسلیم شوند و به دستورات آن گردن نهند. پس از تهاجم نظامی و اشغال کردستان با توسل به نیروهای نظامی و پاسداران و سپاهیان درنده، رژیم اسلامی تهران کوشش نمود تا اراده مقاومت را در کردستان به زانو دریاورد. در هم شکستن اراده مقاومت، صرفاً با توسل به نیروی نظامی میسر نیست. از همین رو، جمهوری اسلامی پس از مرحله اشغال نظامی، به توطئه‌های دیگری روی آورد و با اشکال و روشهای گوناگون، از راههای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در صدد بر آمد تا حملات آشکار و پنهان خود را گسترش داده و به هدف شوم خویش یعنی به زانو درآوردن اراده مقاومت در کردستان دست یابد. یکی از این توطئه‌ها که رژیم انجام داده و می‌توان از آن به عنوان جهاد سپید نام برد، تهاجم سیاسی و فکری جمهوری اسلامی در پوشش چهره‌ها و اسامی گوناگون و در پس نقاب‌های مختلف بوده است

ادامه در صفحه ۲

ترامپ دستور بازنگری برجام را صادر کرد

ساعاتی پیش از صدور دستور ترامپ، جیمز متیس وزیر دفاع آمریکا که در ریاض پایتخت عربستان حضور داشت، تأکید کرد که ایران عامل همه بحران‌های منطقه است. متیس روز چهارشنبه همچنین گفت که باید با تلاش‌های ایران برای بی‌ثبات کردن منطقه مقابله کرد. او افزود، هنگامی که مشکلی در منطقه پیش می‌آید،

فعالیت‌ها، به تدریج لغو می‌شود. اکثر جمهوری‌خواهان آمریکا از جمله دونالد ترامپ، از مخالفان این توافق هستند. ترامپ این توافق را، "بدترین توافق ممکن" ارزیابی کرده و در تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری خود، گفته بود که آن را پاره خواهد کرد. اگرچه بعدها از شدت لهجه ترامپ نسبت به توافق کاسته شد، اما وعده بازنگری آن را داد.

توافق هسته‌ای موسوم به برجام در ژوئیه سال ۲۰۱۵ میان رژیم ایران و گروه O+1 (آمریکا، بریتانیا، فرانسه، روسیه و چین، پنج کشور عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد به علاوه آلمان)، منعقد شد. برپایه این توافق، در برابر محدود شدن فعالیت‌های هسته‌ای ایران، تحریم‌های اعمال شده علیه این کشور به خاطر این

دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری ایالات متحده، به آژانس‌های اطلاعاتی این کشور دستور داد تا در توافق هسته‌ای با ایران بازنگری کنند. به گزارش خبرگزاری رویترز، ترامپ روز چهارشنبه ۳۰ فروردین‌ماه در دستور خود تأکید کرد آژانس‌های اطلاعاتی در این مسأله تحقیق کنند که آیا تعلیق تحریم‌های ایران، به سود آمریکا بوده است یا نه.

کنگره آمریکا، قانون تشدید

تحریم‌های ایران و روسیه را بررسی می‌کند



اسد هستند تحت تحریم قرار گیرند. همچنین نمایندگان جمهوریخواه کنگره قرار است از دولت ترامپ بخواهند مجوز صدور شرکت‌های آمریکایی مانند شرکت بوئینگ برای تحویل هواپیماهای تجاری به ایران را لغو کند. کمیسیون روابط خارجی سنای آمریکا هم قصد دارد پیش‌نویس قانون اعمال تحریم‌ها علیه سپاه پاسداران را به خاطر پشتیبانی از تروریسم تنظیم کند. همچنین کنگره آمریکا قرار است

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا از کنگره این کشور خواست تا تصویب قوانین اعمال تحریم در مورد کشورهای پشتیبان رژیم بشار اسد از جمله روسیه و ایران را سرعت بخشند. پیش‌بینی می‌شود که پس از پایان تعطیلات بهاری کنگره در هفته آینده، قوانین جدید و قدیمی در مورد ممنوعیت ارسال موشک‌های بالستیک ایرانی به رژیم سوریه به اجرا گذاشته شود و سه شرکت هواپیمایی ایران که مظنون به حمل سلاح و جنگجویان برای حمایت از

رژیم اسد از گاز سارین

استفاده کرده است



سوریه را مسئول حمله شیمیایی به مواضع شورشیان در شهر "خان شیخون" می‌داند و در واکنش به آن حدود ۵۹ موشک به یک پایگاه هوایی ارتش سوریه شلیک کرد. در تحویلی دیگر، رسانه‌های دولتی سوریه می‌گویند پس از تخلیه مناطق محاصره شده بین مضايا و زبدانی از مردم و نیروهای اپوزیسیون، این مناطق روز چهارشنبه به کنترل نیروهای دولتی درآمد. منتقدان می‌گویند این شیوه تخلیه مردم مناطق تحت محاصره که در نتیجه آن حدود ۳۰ هزار نفر از ساکنان مناطقی که در خط مقدم جبهه قرار دارند، طی ۶۰ روز به نقاط دیگر منتقل می‌شوند، عملاً موجب تشویق و نوعی پاداش به سیاست محاصره شهرها و روستاهاست و موجب افزایش کوچ اجباری مردم بر اساس تعلقات مذهبی و سیاسی آنها خواهد شد.

هیأت بریتانیایی در سازمان بین‌المللی منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی می‌گوید دبیرکل این سازمان در جلسه‌ای گفته است آزمایش‌های اخیر نشان می‌دهند که در حمله روز چهارم آوریل در سوریه که بر اثر آن حدود ۹۰ نفر کشته شدند، از گاز سارین یا ماده سمی مشابهی استفاده شده است. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، نماینده بریتانیا در پیامی روی شبکه توئیتر گفت احمد "اوزومچو" دبیرکل سازمان بین‌المللی منع کاربرد سلاح‌های شیمیایی این نکته را در سخنان خود در افتتاحیه جلسه غیرعلنی هیأت رئیسه این نهاد در بررسی حمله یاد شده در سوریه ایراد کرده است. آزمایش‌های انجام شده توسط دولت‌های بریتانیا و ترکیه نیز نشان می‌دهند که در این حمله گاز سارین یا ماده سمی و کشنده مشابهی به کار برده شده است. دولت آمریکا نیروهای دولتی

بیانیه کمیسیون تشکیلات حزب دمکرات

در رابطه با حمله‌ی نیروهای رژیم به کولبران کرد

که در مقابل این سیاست رژیم جمهوری اسلامی بایستند. انتظار ما از تمامی فعالان و سازمان‌های مدنی آن است که سیاست حمله به کولبران و کاسبکاران مناطق مرزی را محکوم کرده و سیاست سرکوبگرانه‌ی رژیم را افشا نمایند. از کلیه فعالان، مبارزان و تمامی آحاد جامعه‌ی کردستان می‌خواهیم که با احساس وظیفه و مسئولیت میهنی و حق‌طلبانه‌ی خویش، در برابر رژیم‌ی که به طور روزمره معیشت و آزادی را از آنان سلب می‌کند، موضع گرفته و ناراضیاتی خود را ابراز نمایند و با صفوف متحد و منسجم، برای تأمین حق آزادی، معیشت و صیانت از کرامت انسانی خویش تلاش کنند و بیش از هر زمان دیگری صفوف مبارزه را مستحکم نمایند.

حزب دمکرات کردستان ایران
کمیسیون تشکیلات
۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی



فریاد اعتراض سر دهند و به هر نحو ممکن، با چنین رژیم‌ی مقابله نمایند. سیاست پلید و ضد بشری سلب حق حیات، به هر شکلی که باشد، محکوم و مغایر با بدیهی‌ترین مبانی حقوق بشری است. در اینجا از مجامع و محافل بشردوست و سازمان‌های مدافع حقوق بشر می‌خواهیم

در کردستان ایران دیگر نبایستی در برابر این روند سلب حقوق و محرومیت از زندگی، معیشت، آزادی و کرامت انسانی سکوت اختیار کنند. وظیفه و مسئولیت انقلابی و آزادیخواهانه‌ی هر یک از آحاد ملت کرد است در قبال سیاست خصمانه و آدمکش‌های جمهوری اسلامی

ضد خلقی در حال است که رژیم جمهوری اسلامی به درازای حیات ننگین و پلید خویش، نان و آزادی را سلب نموده و اکنون نیز مشغول فریبکاری و اجرای نمایش به اصطلاح انتخابات در ایران است. تردیدی نیست که تمامی آزادیخواهان و آحاد ملت کرد

و مردم محروم مناطق مرزی کردستان ایران انجام می‌گیرد و حق زندگی و معیشت را از آنان سلب می‌کند، بلکه در حقیقت در راستای تداوم سرکوب سیستماتیک تمامی اقشار و طبقات ملت کرد است که حقوق آنان سلب و پایمال شده است. تداوم این سیاست ضد بشری و

کمیسیون تشکیلات حزب دمکرات کردستان ایران با صدور بیانیه‌ای از تمامی فعالان و سازمان‌های مدنی خواست که سیاست کشتار کولبران و کاسبکاران مناطق مرزی کردستان توسط رژیم ایران را محکوم نموده و سرکوبگری‌های رژیم در کردستان را افشا و با آنها مقابله نمایند. متن بیانیه به شرح زیر است: برای افکار عمومی همان گونه که اطلاع دارید، در تداوم سیاست قلع و قمع و سرکوبگری نیروهای رژیم جمهوری اسلامی ایران، بعد از ظهر روز شنبه ۲۶ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی شماری از کولبران کرد در مناطق مرزی شهر سردشت، مورد هجوم نیروهای انتظامی رژیم ایران قرار گرفتند که بر اثر آن تعدادی از کولبران کشته و زخمی شدند. این گونه حملات ضدبشری نیروهای سرکوبگر رژیم برای نخستین بار و آخرین بار نیست که علیه کاسبکاران



مزبور باز هم به منظور نزدیکی بیشتر مواضع خود و بررسی تحریم فعالانه و امکان انجام اقدامات عملی در این زمینه گرد هم آیند.

نشست تأکید نموده و توضیحاتی در رابطه با جوانب مثبت عدم مشارکت در نمایش انتخابات رژیم ارائه دادند. در این نشست تصمیم گرفته شد که در آینده‌ی نزدیک احزاب

ابراهیم علیزاده، دبیر اول کومه طی آن به ایراد سخن پرداخت. سپس نمایندگان هر یک از جریان‌های سیاسی حاضر در نشست، ضمن پاسخگویی به سؤالات خبرنگاران، بر اهمیت این

انتخابات ندارد، اساساً رئیس جمهور نه قدرت و نه ارزش چندانی دارد. در خاتمه‌ی نشست مزبور، یک کنفرانس مطبوعاتی با حضور خبرنگاران رسانه‌ها برگزار شد که

در این نشست هر کدام از طرف‌ها دیدگاه و تحلیل احزاب متبوع خود را در رابطه با مسئله مطرح نمودند و همگی بر این باور بودند که در یک نظام دگم و بسته که اعتقادی به

شش حزب و جریان سیاسی کردستان ایران در مقرر کومه (شاخه‌ی کردستانی حزب کمونیست ایران) گرد هم آمدند. روز پنجشنبه ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی، شش حزب و جریان سیاسی کردستان ایران در مقرر کومه (شاخه‌ی کردستانی حزب کمونیست ایران) گرد هم آمدند تا اتخاذ مواضع مشترک در قبال انتخابات ریاست جمهوری رژیم ایران را بررسی نمایند. هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران نیز به سرپرستی "محمد نظیف قادری" عضو دفتر سیاسی حزب در این نشست حضور داشت. محور اصلی مباحث مطرح شده در این نشست، انتخابات ریاست جمهوری رژیم در ۲۹ اردیبهشت‌ماه سال جاری بود که مقدمات خیمه‌شب‌بازی مربوط به آن، از مدت‌ها قبل از سوی رژیم آماده شده است.

دفتر سیاسی حزب دمکرات،

مباران شیمیایی در ادلب سوریه را محکوم کرد



در سوریه ممانعت به عمل آورند.

حزب دمکرات کردستان ایران
دفتر سیاسی
۱۶ فروردین ۱۳۹۶ خورشیدی
۵ آوریل ۲۰۱۷ میلادی

را محکوم نموده و از تمامی مجامع و محافل سیاسی و بشردوست تقاضا دارد که این اقدام را محکوم کنند و همزمان نیز از مجامع و محافل بین‌المللی و مراکز قدرت جهانی می‌خواهد که از مردم بیگناه سوریه حمایت کنند و از جنایات رژیم اسد و رژیم جمهوری اسلامی

جنایات و اقدامات ضد بشری خود ادامه داده و در ارتکاب این جنایات از حمایت آشکار رژیم جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران برخوردار است. حزب دمکرات کردستان ایران ضمن ابراز همدردی با قربانیان این حادثه‌ی ضد بشری، مباران شیمیایی مزبور

سازمان ملل متحد می‌بایستی خلع سلاح شیمیایی می‌شد، لیکن به دلیل حمایت همه‌جانبه‌ی رژیم جمهوری اسلامی و مشارکت این رژیم در جنگ داخلی سوریه و همچنین حمایت و پشتیبانی سیاسی و نظامی روسیه از رژیم اسد، رژیم بعث سوریه به

دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران طی بیانیه‌ای اقدام ضد بشری مباران شیمیایی در ادلب سوریه را محکوم کرد. متن این بیانیه به شرح زیر است: اقدام ضد بشری در ادلب سوریه را محکوم می‌کنیم روز سه‌شنبه ۱۵ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی برابر با ۴ آوریل ۲۰۱۷ میلادی، ارتش وابسته به حکومت جنایتکار اسد در سوریه، مردم بیگناه و بی‌پناه روستای خان شیخون در جنوب استان ادلب سوریه را آماج حملات شیمیایی قرار داد. در این تهاجم هوایی که طی آن مپ شیمیایی به کار گرفته شده بود، بیش از یکصد تن کشته و صدها تن زخمی شدند که حال برخی از این مجروحان وخیم اعلام شده است. این حمله‌ی شیمیایی هوایی رژیم اسد، نخستین اقدام از این دست علیه مردم سوریه نیست و پیش از این نیز به کرات مرتکب جنایات ضدبشری از این قبیل شده بود، از همین رو بر اساس معاهدات و تصمیمات پیشین

ادامه سخن

تا کردستان را سرگرم بازی‌های سیاسی، خیمه‌شب‌بازی‌ها و حقه‌بازی‌های تهران و قم نماید و آن را از هویت مقاومت دور نماید و به گونه‌ای سیاسی در دژ تسخیرناپذیر اراده ملت کرد رخنه نماید و سپس آن را از درون دچار فروپاشی نماید و این دژ را فرو بریزد و بر ویرانه‌های آن، نسخه‌ای از حسینیه جماران را بنا کند. این توطئه به ویژه در دوران تناثر به اصطلاح انتخابات آشکارتر می‌شود و می‌خواهند ملت کرد را در بازی اعتدالگرایی، اصلاح‌طلبی و اصولگرایی و... مشغول نمایند و زمانی به خود آیند که متوجه شوند در بازی از پیش تعیین‌شده‌ی سران جماران و قم فریب خورده بودند و هویت سیاسی کردستان و ملت کرد را که دژ مقاومت ملی و آزادیخواهی است، تحت فرمان خویش درآورند. جهاد سپید رژیم اسلامی ایران، تداوم فرمان جهادی خمینی است که از لحاظ نظامی کردستان را اشغال نمود و با توطئه‌های سیاسی می‌خواهند اراده مقاومت را در کردستان به زانو دریاورند.

حسن شرفی: مالکی به علت شکست پروژه‌ی اخراج احزاب روژهلات، به ایران احضار شده است



صراحتاً اعتراف کند که احزاب کردستان با این طرح مخالفت کردند و اجازه ندادند که در پارلمان عراق مطرح گردد، ولی آنان تا آنجا که در توان داشتند در این رابطه تلاش کرده‌اند و حال که پروژه به شکست انجامیده است، هیچ مسئولیتی متوجه وی نیست. جانشین دبیرکل حزب دمکرات

حسن شرفی، جانشین دبیرکل حزب دمکرات کردستان ایران می‌گوید پروژه‌ی نوری المالکی با اتحاد و همبستگی احزاب کردستان و دلسوزان ملت کرد به شکست انجامیده و وی برای تیرئه‌ی خود از این شکست، در نظر دارد که به ایران سفر کند. آقای شرفی، در گفتگویی با خبرگزاری "باس نیوز" اعلام کرد: "پس از آن که نوری المالکی در تلاشش برای اخراج احزاب کردستان ایران از اقلیم کردستان شکست خورد، قرار است که به ایران احضار شده و در آنجا به توجیه دلایل شکست خود و توضیح آن برای مقامات رژیم ایران بپردازد. آقای شرفی در این گفتگو همچنین اظهار داشت: "به نظر می‌رسد که نوری المالکی این بار در ایران

هیأتی از کردهای شوروی سابق،

از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات دیدار کرد

کلی و اوضاع منطقه، بر ضرورت همبستگی و انسجام ملت کرد تأکید نموده و حمایت خود را از رفراندوم استقلال کردستان از عراق و ایجاد کشور کردستان اعلام نمودند و برای موفقیت مبارزات و تلاش‌های ملت کرد و دستیابی این ملت به آزادی و همزیستی عادلانه اظهار امیدواری نمودند. در این نشست همچنین هیأت میهمان ضمن اعلام حمایت از مبارزات برحق ملت کرد در کردستان ایران، بر لزوم اتحاد و انسجام در صفوف ملت کرد تأکید نمودند. در خانه‌ی دیدار نیز طرفین بر ضرورت تداوم روابط فیما بین و همکاری همه‌جانبه در آینده تأکید به عمل آوردند.

و عضو اتحادیه‌ی مجامع کنگره‌ی کردهای شوروی سابق، "برزان علو" رئیس اتحادیه‌ی مجامع کردهای سن پترزبورگ، "مامی ماموی" رئیس جمعیت دوستان کرد و روسیه، "نورالدین علی خان" عضو اتحادیه‌ی مجامع کردی قرقیزستان و "روسلان علی خانی" عضو اتحادیه‌ی مجامع کردی قزاقستان" بود. در این دیدار مسائل مهمی همچون تاریخچه‌ی مبارزات ملت کرد برای رهایی از سلطه‌ی اشغالگران، از جان گذشتگی و فداکاری ملت کرد جهت نیل به صلح و همزیستی برابر و همچنین مبارزات کنونی ملت کرد علیه تروریسم و تروریست‌ها مورد بحث و گفتگو قرار گرفت. در دیدار مزبور، هیأت اتحادیه‌ی کردهای شوروی سابق ضمن بحث از مسأله‌ی کرد به طور

هیأتی از کردهای مقیم جمهوری‌های استقلال یافته از اتحاد جماهیر شوروی سابق، در دیدار از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران، حمایت خود را از مبارزات ملت کرد در کردستان ایران اعلام نمودند. روز شنبه مورخه‌ی ۲۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی، هیأتی از اتحادیه‌ی کردهای مقیم شوروی سابق از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کرد و از سوی هیأتی از اعضای دفتر سیاسی حزب به سرپرستی مصطفی هجری، دبیرکل حزب به گرمی مورد استقبال قرار گرفت. هیأت مزبور متشکل از "طاهر سلیمان" رئیس اتحادیه‌ی جمعیت‌های آذربایجان، صاحب امتیاز روزنامه‌ی "دیپلوماتا کورد"

راسان عرصه را بر سپاه پاسداران

تنگ نموده است

بیست سال پس از صدور حکم میکونوس

رژیم ایران اصلی‌ترین حامی تروریسم در جهان است



به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. عدالت دادگاه میکونوس هنوز هم مسئولان بلندپایه رژیم را آزار می‌دهد و در این ارتباط سال گذشته خامنه‌ای، رهبر رژیم در دیدار با اعضای مجلس خبرگان رژیم از حکم تاریخی دادگاه میکونوس به تلخی یاد کرد. حسین موسویان، سفیر سابق رژیم در آلمان و لابیست کنونی رژیم در آمریکا نیز طی مصاحبه‌ای با وب‌سایت تحلیلی "دیدهبان ایران" ترور میکونوس و ترور وین را از عوامل شکست استراتژی "غرب منهای آمریکا" اعلام کرد. با گذشت بیست سال از صدور حکم دادگاه میکونوس، رژیم ایران از سوی کشورهای عربی و غربی به عنوان اصلی‌ترین حامی تروریسم در جهان و منطقه خاورمیانه شناخته شده است. مایک پنس، معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا در کنفرانس امنیتی مونیخ رژیم ایران را "اصلی‌ترین حامی تروریسم در جهان و منطقه خاورمیانه" معرفی کرد. همچنین به گفته عبد ربه منصور هادی، رئیس‌جمهور یمن، رژیم ایران همراه با گروه‌های القاعده، حزب‌الله و حوثی‌ها حامی رسمی تروریسم در جهان عرب است.

عضویت در سپاه پاسداران و سازمان امنیت ایران بود و ۴ لبنانی به نام‌های یوسف امین، محمد اتریس، عطالله ایاد و عباس راحل توسط پلیس آلمان دستگیر شدند و محاکمه متهمان در ششم آبان‌ماه سال ۱۳۷۲ در آلمان آغاز شد. دادگاه این عده، حدود ۵ سال و ۲۴۷ جلسه طول کشید و حدود ۹ میلیون فرانک هزینه در برداشت. در جلسات این دادگاه بیش از ۱۷۰ نفر در دادگاه حاضر شده و در مورد حادثه ترور شهادت دادند. شهادت برخی از این افراد بر ضد حاکمیت اسلامی و برخی نیز به نفع آنها بود. بعد از این که رژیم اسلامی ایران و مسئولان ارشد رژیم ایران به ترور رهبران حزب دمکرات کردستان ایران در آلمان محکوم شدند، کشورهای اروپایی سفرای خود را از تهران فراخوانده و روابط اقتصادی خود را با ایران برای مدتی به تعلیق در آوردند. فراخواندن سفیران اروپایی به گفته خود مسئولان رژیم یکی از بزرگترین بحران و چالش‌های اصلی وقت رژیم بود که مسئولان این رژیم را ناچار کرد برای اینکه اروپایی‌های به تهران بازگردند نمایشی به نام اصلاحات انجام دهند که در نهایت محمد خاتمی

بیست سال از صدور حکم تاریخی دادگاه میکونوس و محکومیت تروریسم دولتی رژیم اسلامی ایران سپری شد. در بیست و یکم فروردین‌ماه سال ۱۳۷۶، حکم دادگاه میکونوس صادر شد و طی آن کاظم دارابی از اتباع ایرانی و عباس راحل، تبعه لبنانی به حبس ابد و یوسف امین و محمد اتریس هر دو از اتباع لبنان به ترتیب به ۱۱ و ۵ سال زندان محکوم شدند. همچنین براساس این حکم، "علی خامنه‌ای" رهبر رژیم، "علی‌اکبر هاشمی رفسنجانی" رئیس‌جمهور وقت، "علی‌اکبر ولایتی" وزیر امور خارجه وقت و "علی فلاحیان"، وزیر اطلاعات و امنیت وقت به عنوان آمران ترور در برلین شناخته شدند. روز ۲۶ شهریور ۱۳۷۱ (۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲) در جریان حمله‌ی تروریست‌های رژیم جمهوری اسلامی ایران به رستوران میکونوس در برلین آلمان دکتر صادق شرف‌کنندی، دبیرکل اسبق حزب دمکرات همراه با فتاح عبدلی، عضو کمیته‌ی مرکزی حزب و همایون اردلان، نماینده حزب در آلمان به شهادت رسیدند. یک سال بعد از حادثه رستوران میکونوس، یک ایرانی به نام کاظم دارابی کازرونی که مشکوک به

رژیم در شهرها و مناطق کردستان دستپاچگی خود را آشکار می‌سازد. بیشتر نیز در چندین منطقه‌ی دیگر از جمله مهاباد، نقده، کامیاران، پاوه، مریوان و سایر مناطق کردستان نیز، رژیم وحشت خود را از راسان و پیامدهای آن عیان ساخته بود. این مسأله با اقدامات عملی رژیم در زمینه‌ی گسیل نیروهای بیشتر و تسلیحات سنگین و فراوانتر به شهرهای کردستان و مرمت و احیای پایگاه‌های نظامی و جاسوسی و مزدورخانه‌هایش در کردستان همزمان شده است.

پاسداران در روستای "پارسانیان" از توابع سقز با توسل به زور، مردم روستا را در جایی گرد آورده و با اعمال تهدید و فشار، کوشیده‌اند تا از آنان اطلاعاتی در رابطه با کسانی به دست آورند که با انجام فعالیت‌های تبلیغی، از راسان و مبارزات نوین کردستان حمایت می‌کنند. پس از ساعتی بحث و جدل میان مردم و مزدوران رژیم، مردم با آنان درگیر شده و صراحتاً به مزدوران گفته‌اند که شما نمی‌توانید در مقابل امواج دریا بایستید. این برای نخستین بار نیست که

به دنبال استقبال کم‌نظیر مردمی از مبارزات نوین کردستان ایران و انجام فعالیت‌های مختلف در حمایت از راسان، مزدوران رژیم به ارباب و فشار بر مردم پرداخته‌اند. بر اساس گزارش وبسایت کردستان میدیا، مزدوران مسلح رژیم در منطقه‌ی سقز از سوی سپاه ترویستی پاسداران علیه مردم منطقه تحریک شده‌اند و در هراس از فرارگریز شدن راسان، به جان مردم عادی افتاده‌اند. بر طبق آخرین خبرها، چند روز قبل مزدوران بدنام سپاه تروریستی

هیأت حزب دمکرات در مراسم سالگرد انتخاب جلال طالبانی به ریاست جمهوری عراق شرکت کرد

ایرانی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی "تیمور مصطفایی، عضو دفتر سیاسی حزب، در مراسمی که به مناسبت دوازدهمین سالگرد انتخاب جلال طالبانی به ریاست جمهوری عراق فدرال برگزار شده بود، شرکت کرد. مراسم با اجرای سرود ملی "ای رقیب" و برافراشتن پرچم ملی کردستان آغاز گردید. سپس به ترتیب بخشدار تفتق، "رهبر سید

فیلو" آکادمیست، مشاور و دیپلمات فرانسوی اختصاص داده شده بود. نامبرده ضمن بررسی تاریخچه‌ی روابط آمریکا با کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه از بدو تأسیس ایالات متحده‌ی آمریکا تاکنون در مراحل گوناگون با هر کدام از کشورهای خاورمیانه به ویژه لیبی، عراق و سوریه و عواقب اینگونه سیاست‌های آمریکا در هر یک از این کشورها در گذشته و حال پرداخت که به علت

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی "تیمور مصطفایی، عضو دفتر سیاسی حزب، در مراسمی که به مناسبت دوازدهمین سالگرد انتخاب جلال طالبانی به ریاست جمهوری عراق برگزار شده بود، شرکت کرد. روز پنجشنبه ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی بنا به دعوت رسمی دفتر "تفتق" وابسته به شاخه‌ی ۱۴ اتحادیه‌ی میهنی کردستان در کویه،

نماینده‌ی حزب دمکرات در کنفرانس تاریخ روابط

آمریکا و خاورمیانه شرکت کرد

فقدان یک استراتژی مشخص و عدم ملاحظه‌ی دید و نظر مردم، این امکان را به دیکتاتورها داد که زندگی مردم خویش را به سوی فلاکت سوق دهند. در این کنفرانس، نماینده‌ی حزب دمکرات با چند شخصیت و دیپلمات خارجی دیدار نمود و در رابطه با مبارزات حزب دمکرات و دیکتاتوری رژیم جمهوری اسلامی ایران به بحث و گفتگو پرداخت.

مستول دفتر نمایندگی حزب در اربیل، در کنفرانسی با موضوع روابط آمریکا و خاورمیانه، شرکت کرد. روز پنجشنبه ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی به دعوت رسمی دانشسرای فرانسوی اربیل، محمد صالح قادری" مسئول دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در اربیل، در کنفرانسی با عنوان "تاریخ روابط آمریکا و خاورمیانه" شرکت کرد. کنفرانس به سخنان "جان پی‌یر

مستول دفتر نمایندگی حزب در اربیل، در کنفرانسی با موضوع روابط آمریکا و خاورمیانه، شرکت کرد. روز پنجشنبه ۱۷ فروردین‌ماه ۱۳۹۶ خورشیدی به دعوت رسمی دانشسرای فرانسوی اربیل، محمد صالح قادری" مسئول دفتر نمایندگی حزب دمکرات کردستان ایران در اربیل، در کنفرانسی با عنوان "تاریخ روابط آمریکا و خاورمیانه" شرکت کرد. کنفرانس به سخنان "جان پی‌یر

راسان و ژئوپولیتیک ایران



ن: جمیل کلاهی

م: هوراز

در طول تاریخ، سرزمینی که امروزه با نام ایران می‌شناسیم، از لحاظ ژئوپولیتیک همواره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. تسخیر قلمرو امپراتوری ساسانی توسط سپاه اعراب برای تحمیل سلطه‌ی اسلام و جهانی نمودن آن دارای اهمیت ویژه‌ای بوده و بدون در هم شکستن این امپراتوری، اسلام قادر نبود به اندازه‌ی کنونی گسترش یابد. در دوران متأخرتر نیز امپراتوری عثمانی را می‌بینیم که اروپا را تهدید به اشغال نموده و خطر عظیمی متوجه این قاره می‌کند! اینجاست که کشورهای اروپایی به ویژه بریتانیا، ارتش ایران را تجهیز و تسلح نموده و از آن علیه عثمانی استفاده می‌کنند تا موازنه‌ی قوا را برقرار نمایند. اروپا در اینجا از اختلافات مذهبی استفاده می‌کند، یعنی از صفویه‌ی شیعه‌مذهب علیه عثمانی سنی‌مذهب استفاده می‌کند. در دوران جنگ سرد نیز ایران یکی از مهمترین کشورهای تشکیل‌دهنده‌ی کمربند امنیتی برای جلوگیری از اشاعه‌ی کمونیسم بود که علیه اتحاد جماهیر شوروی تشکیل گردیده بود. پس از انقلاب سال ۱۹۷۹ ایران و روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، ایران رفته‌رفته از اهمیت ژئوپولیتیک دیگری نیز برخوردار گردید. این اهمیت ناشی از

موجودیت اسرائیل در منطقه است. اهمیت ایران برای اسرائیل به اندازه‌ای است که در جنگ ایران و عراق برای حفظ توازن قوا، اسرائیل به ایران کمک کرد و اسلحه برای آن ارسال نمود. ایران دارای دو ویژگی اساسی است که برای اسرائیل مهم هستند، نخست اینکه ناسیونالیسم حاکم بر ایران نوعی ناسیونالیسم تنگ‌نظر عرب‌ستیز است و دوم اینکه مذهب رسمی ایران شیعه است و اکثریت مردم ایران نیز شیعه‌مذهب هستند. اگر نگاهی به بافت جمعیتی کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه به ویژه همسایگان اسرائیل بیندازیم، درمی‌یابیم که همگی عرب و سنی‌مذهب می‌باشند. کشورهای اسلامی به ویژه کشورهای عربی به علت مسأله‌ی فلسطین و جنگ‌های سده‌ی گذشته میان اسرائیل و اعراب، با اسرائیل مشکل دارند و افکار عمومی مسلمانان علیه اسرائیل است. به همین دلیل، در این منطقه اسرائیل شدیداً تحت فشار است. برای رهایی از این فشار، اسرائیل نیازمند طرف دیگری است که بار این فشار را از دوشش بردارد، در خاورمیانه هیچ کشور دیگری از این لحاظ بهتر از ایران نیست، زیرا هم از لحاظ ناسیونالیستی و هم از لحاظ مذهبی رقیب و مخالف کشورهای عربی است. دو همسایه‌ی ایران یعنی طالبان و رژیم صدام حسین به دست آمریکا و نیروهای ائتلاف سرنگون شدند، این کار باعث تقویت جایگاه ایران شد! زیرا بر

اساس آمارها بیش از ۶۰ درصد از مردم عراق شیعه هستند، بخشی از مردم افغانستان نیز شیعه هستند! علاوه بر این، سرنگونی رژیم صدام باعث تسهیل ارتباط و تماس و ارسال کمک‌های ایران به سوریه و لبنان از طریق عراق گردید! از همین رو، سرنگون ساختن این دو رژیم رقیب ایران می‌تواند بدون برنامه بوده باشد. پس از سرنگونی این دو رژیم، به تدریج بحثی تحت عنوان "هلال شیعه" مطرح گردید. این هلال از ایران، عراق، سوریه و لبنان تشکیل گردیده است که ایران آن را رهبری می‌کند، یعنی طرح "خاورمیانه‌ی بزرگ" که در زمان جورج بوش مطرح گردید، بر مبنای تقسیمات مذهبی در حال شکل‌گیری است و اوضاع به سمت و سوی می‌رود که موازنه‌ای میان کشورهای سنی و هلال شیعه برقرار گردد. در اینجا بایستی این مسأله را توضیح داد که اسرائیل به دو دلیل با پروژه‌ی هسته‌ای ایران مخالفت می‌کند: نخست جلوگیری از برهم خوردن توازن قوا میان دو جبهه‌ی سنی و شیعه و دوم اینکه اساساً اسرائیل می‌خواهد به هیچ کشوری در منطقه اجازه بدهد که از اسرائیل نیرومندتر شود. از همین رو، مشاهده می‌کنیم که اسرائیل به پایگاه اقی صدام حسین حمله کرده و آن را ویران می‌سازد. پیش از بهار عربی نیز مرکزی را در دمشق، پایتخت سوریه که گمان می‌رفت یک مرکز اقی باشد، بمباران نمود. از همین رو، ضدیت اسرائیل نه با هدف سرنگونی رژیم

ایران، بلکه به معنای حفظ موازنه‌ی نیروهاست، زیرا سرنگونی رژیم به سود اسرائیل نیست. اینک وضعیتی در منطقه پیش آمده است که از هم‌پیمانی و ائتلاف اسرائیل و اعراب علیه هلال شیعه سخن گفته می‌شود، ائتلافی که نه تنها فشارها را از روی اسرائیل برمی‌دارد، بلکه نقش یک قدرت منطقه‌ای محافظه‌کار را به اسرائیل می‌بخشد. تمامی فشارهایی که بیشتر متوجه اسرائیل بود، اینک به سوی ایران کانالیزه شده‌اند، چنین وضعیتی به سود اسرائیل است و هرگز امنیت اسرائیل چه از لحاظ سیاسی و اقتصادی و چه از لحاظ نظامی تا به این حد تأمین نبوده است. در اینجا این سؤال مطرح می‌گردد که راسان روژهلات در کجای این معادلات قرار می‌گیرد؟ رژیم ایران و بخشی از اپوزیسیون این رژیم از همان ابتدا راسان را ساخته و پرداخته‌ی بیگانه و وابسته به نیروهای دیگر خوانده‌اند. هدف از این تبلیغات صرفاً منزوی ساختن و سرکوب راسان بوده و عاری از حقیقت است، زیرا در حقیقت، در صورت تقویت راسان، ایران به عنوان یکی از فاکتورهای اصلی حفظ امنیت اسرائیل، تضعیف خواهد شد. برای یافتن دوستان و هم‌پیمانانی برای راسان بایستی این واقعیت را در نظر داشت که رژیم ایران به اقتضای ایدئولوژی خود و شعار صدور انقلاب، در کشورهای پیرامون خویش مداخله خواهد نمود، به همین دلیل مخالفان بسیاری دارد و بایستی

جهانی آن بسی فراتر از مبارزات سایر بخش‌های کردستان خواهد بود. این مسأله ناشی از آن است که کردستان روژهلات در درون مرزهای کنونی ایران قرار گرفته که همان گونه که بحث شد، از اهمیت ژئوپولیتیک فوق‌العاده‌ای در منطقه برخوردار است، همان گونه که پارسال مشاهده نمودیم که وقوع آن چند فقره درگیری میان پیشمرکه‌ها و سپاه پاسداران در مناطقی از کردستان بازتاب جهانی گسترده‌ای به دنبال داشت و خبرگزاری‌های مهم جهانی آن را در کانون توجه خود قرار دادند. رژیم ایران که در طول حیات خویش همواره فعالیت‌های نیروی پیشمرکه را مورد تحریم خبری قرار داده بود، به طرز وسیعی سکوت خویش را شکست و اقدام به تهدید نمود. این امر نیز ناشی از آن بود که منافع کشورها به خطر می‌افتاد که این یک نقطه‌ی مثبت است، زمانی که این اتفاق افتاد، کشورها در اندیشه‌ی چاره‌جویی برمی‌آیند. آن گاه خواهد بود که روژهلات وارد معادلات سیاسی ایران و منطقه و حتی جهان خواهند شد، یعنی حزب دمکرات به عنوان سازمان‌دهنده‌ی راسان بایستی ژئوپولیتیک ایران را که یکی از موانع موجود بر سر راه راسان است، تبدیل به فرصت نماید، این امر با تبدیل تهدیدها به فرصت، آن هم از طریق تأکید بر فعالیت بیشتر و گسترش راسان میسر خواهد شد.

اگر راسان گسترده‌تر شود، بازتاب



شهر، محور راسان

ادریس احمدی

ترجمه: شهرام میرزائی

لیبرالی می‌باشد. فارغ از جریان بین‌المللی مذکور و تأثیرگذاری آن بر حزب دمکرات، دلیل خامه‌ی این جریان فکری در حزب دمکرات بسیار ساده است چرا که جمهوری اسلامی همچنان به عنوان رژیم نژادپرست، استثمارگر و تروریست‌پرور باقی مانده است و چه بسا طی این ۳۸ سال درنده‌تر و نیرومندتر از گذشته نیز شده باشد. البته پایان این مرحله در حزب دمکرات به معنای دست کشیدن این حزب از ارزش‌های جهان‌شمولی چون حقوق بشر و دموکراسی نیست، بلکه به معنای درک صحیح این حزب از تأثیر تعیین‌کننده قدرت در دنیای سیاست است. هدف رهبری حزب دمکرات قدرتمند کردن حزب متبوعشان است تا بار دیگر این حزب بتواند همانند چند دهه‌ی گذشته قدرتی تأثیرگذار در ژئوپولیتیک کردستان، ایران و همچنین خاورمیانه داشته باشد. قابل ذکر است که حزب دمکرات منظور گسترده‌تری از مفهوم "قدرت" از آنچه که در معنای رئالیستی آن می‌توان یافت، دارد. رئالیست‌ها "قدرت" را به مثابه معیاری مادی تعریف می‌کنند و بر این باورند که قدرت شامل فاکتورهایی همچون اقتصاد، جغرافیا، جمعیت و به ویژه توان نظامی است. در راسان، نیروی جنبش کردستان هم مادی و هم معنوی است. پیش از هر چیز مشروعیت مسأله‌ی کرد به خودی خود، سرچشمه‌ی قدرت است. اگر مسأله‌ی کرد مشروع نبود، هیچ گاه نه پیشمرگه و نه شهروندان حاضر نبودند که برای آن جان خود را فدا کنند و بدون شک جامعه‌ی جهانی نیز حاضر نبود به آن گوش فرا دهد. اگر این جنبش مشروعیت نمی‌داشت، آن همه استمرار و فراز و نشیب را نیز به خود نمی‌دید. قابل ذکر است که عمر سیاسی حزب دمکرات دو برابر جمهوری اسلامی است. از سویی دیگر، ایران سیاست مستمر انکار و سرکوب را در مقابل ملت کرد در پیش گرفته است و این واقعیت نامشروع بودن سیاست رژیم ایران را آشکار می‌کند، چرا که اگر این گونه نمی‌بود، نیازی به استفاده از این همه سرکوب نداشت. ثانیاً، جنبش ملی در کردستان از وجود نیروی پیشمرگه بهره‌مند است. پیشمرگه نیرویی است که در راه مسأله‌ای مشروع، سخت‌ترین شیوه‌ی زندگی را تحمل می‌کند و آماده است که در راه آزادی ملت ستم‌پدیده‌اش جان خود را فدا کند.

مشروعیت مسأله‌ی کرد سرچشمه‌ی قدرتمند اخلاقی و سیاسی است که آنچنان نیروبخش است که به تنهایی می‌تواند مسأله‌ی نامتوازن بودن قدرت نظامی در مقابل جمهوری اسلامی ایران را جبران کند. ثالثاً، جنبش ملی کرد از پشتیبانی نیروی مردمی بهره‌مند است. علاوه بر پیشمرگه، مردم و خلق مهم‌ترین نیروی جنبش کرد در کردستان است. این نیرو زمانی می‌تواند تعیین‌کننده و تأثیرگذار باشد که بتواند بر اساس هوشیاری و منافع ملی عمل کند. هدف راسان زنده نگاه داشتن و گسترش هوشیاری ملی است. یکی از پیش شرط‌های پیروزی قیام مردمی، که باید به آن به مانند یک پروسه نگاه کرد، آگاه شدن از ذات حقیقی جمهوری اسلامی ایران است و در امتداد این درک، افشاکاری و ایستادن در مقابل سیاست‌های دروغین این رژیم است. برخلاف اکثر دوره‌های مختلف خیزش در تاریخ جنبش کرد، راسان چشم به راه ایجاد شرایط مناسب نبوده، بلکه تلاشی کنشگرانه برای ایجاد فرصت‌های مناسب است. راسان می‌توانست سال‌ها پیش آغاز شود، اما مجموعه‌ای از فاکتورهای درون حزبی و شرایط ژئوپولیتیکی موجب شد که این امر تا ۲۰۱۵ به تأخیر بیفتد که بحث در باب این فاکتور در حوصله‌ی این جستار نیست، اما دلیل اصلی اهمیت دادن به مبارزات شهری به سرعت بالای شهرنشینی و گسترش شهرها برمی‌گردد. راسان دارای اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت است. هدف بلند مدت راسان کسب حاکمیت سیاسی برای ملت کرد است که در شرایط فعلی حاکمیت سیاسی از دیدگاه حزب دمکرات در چارچوب ایرانی فدرال در نظر گرفته شده است که پیشتر در قالب خودمختاری تعریف می‌شد، بعدها به فدرالیسم تغییر داده شد که امکان تغییر این امر نیز وجود دارد. اما هدف کوتاه‌مدت یا بهتر بگوییم، میان‌مدت راسان این است که از طریق فعالیت و فداکاری نیروی پیشمرگه، شهر به جنبش بیفتد و نیروی مردمی شهر سازمان داده شود تا جنبش فراگیر مدنی به وجود آید. راسان تاکنون مجموعه‌ای از دستاوردها را در پی داشته است. فداکاری و از خودگذشتگی پیشمرگه سبب شد تا دوباره مسأله‌ی کرد در جهان مطرح شود، اما از آن مهم‌تر شعله‌ور شدن دوباره امید مردم

کردستان به کسب آزادی است. استقبال بی‌نظیر مردم از حضور پیشمرگه در اعماق خاک کردستان، اعتصاب عمومی در ۲۲ تیرماه سال گذشته و اجرائی شدن کمپین "چامانه‌کان" طی نوروز امسال، همه و همه دال بر مردمی بودن و محوریت شهر در راسان است. اگر بعد از انقلاب پیشمرگه ناچار شد شهرهای کردستان را رها کند تا جمهوری اسلامی ایران آن را ویران نکند و مانع از گشتار مردم عادی شود، امروزه پیشمرگه به مانند نیروی محرک و امیدبخش، به شهرها بازگشته است. البته این امر بدان معنا نیست که حتماً شهر باید برای تحقق اهداف راسان، قربانی بدهد. بی‌شک راسان نیازمند فداکاری و از خودگذشتگی بی‌حد و حصر چه از سوی مردم و چه از سوی پیشمرگه است، اما راسان بر این امر تأکید می‌کند که بیشترین دستاورد و موفقیت با کمترین بهای جانی به دست آید. اینجاست که راسان نیازمند خوانشی نو و مستمر از سیاست‌ها و نقاط قوت و ضعف جمهوری اسلامی ایران است. سیاست جمهوری اسلامی ایران عبارت است از انکار هویت و حقوق ملی کرد، همچنین به تاراج بردن ثروت کردستان و استثمار ملت کرد. در ابتدا جمهوری اسلامی سیاست اشغالگری و استثمار ملت کرد را از طریق به کار بستن نیروی نظامی و سرکوب پیش می‌برد. نقطه قوت جمهوری اسلامی نیز همین نیروی نظامی و سرکوبگرش است که در اختیار دارد. هم‌زمان نیز همین نیروی نظامی و سرکوبگری که در اختیار دارد خود نقطه ضعف او نیز محسوب می‌شود. این به مانند شمشیر دو لبه است و به همین خاطر جمهوری اسلامی ایران مستمراً در پی جلب رضایت مردم کردستان نیز هست تا مجبور نشود به صورت ممتد از این نیروی نظامی و سرکوبگر استفاده کند. جمهوری اسلامی در راستای جلب رضایت مردم کرد، از طریق مجموعه‌ای از سازمان‌ها و نهادهایی همچون، مدرسه، رسانه جمعی، مسجد، انتخابات و... در تلاشی مستمر و فریبکارانه سعی در تحریف واقعیت‌ها و انتقال آن به مردم است. برای رسیدن به این منظور نیز باید مستمراً واقعیت‌ها را تحریف کند و از طریق تبلیغات متنوع مردم کردستان را اغفال کند. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی قصد دارد مردم کرد را وادار تا بردگی و استثمار و به

تاراج رفتن ثروت سرزمین خود را ببینند و یا این مسأله را به چالش نکشند. حکومت از این سازمان‌ها و نهادها همچون ماده‌ای مخدر استفاده می‌کند و هدف اصلی این نهادها این است که ملت کرد از هوشیاری بهره‌مند نشوند یا آن‌ها را به عالم غفلت برانند. امروزه اشغالگران با توسل به زور و به شیوه‌های گوناگون و سراسر توهین‌آمیز، ملت کرد را تعریف می‌کنند، به عنوان نمونه، بکارگیری اصطلاحاتی همچون "قوم"، "قبیله"، "ایرانی"، "مرزبان غیور"، "حاشه‌نشین" و... و هم‌زمان نیز خود را صاحب خاک کردستان می‌داند. اگر هرگونه قیامی نیز علیه این ظلم شکل گیرد، با عنوان "جدایی‌طلبی" از آن یاد می‌کند و با شدیدترین شیوه‌ی ممکن با آن برخورد می‌کند. رژیم قصد آن را دارد که اغواگری خود را پنهان و نرمالیزه کند و قیام روا و مشروع ملت کرد برای کسب آزادی و حاکمیت ملی را به عنوان جرم تعریف کرده است. برای اینکه ناچار نشود مستمراً و مکرراً از اهرم زور و سرکوب استفاده کند، بر آنست که مردم کرد به اختیار خود ناسیونالیسم فارس و حکومت اسلامی را انتخاب کنند. یکی از حقه‌های فریبکارانه‌ی جمهوری اسلامی ایران برای کسب رضایت عامه‌ی مردمان ایران، برگزاری انتخابات است. حقیقتاً، این عمل یکی از فریبکارانه‌ترین روش‌ها برای کسب تأیید مردم نسبت به سیستم دیکتاتوری و نهایتاً استثمار آن‌هاست. روش فریبکارانه دیگری برای کشاندن مردم به پای صندوق‌های رأی ایجاد این شبهه و افسانه است که در درون حاکمیت جناح‌هایی وجود دارند که دارای سیاست و ایدئولوژی متفاوتی هستند و این جناح‌ها را با عناوینی همچون اصلاح‌طلب و محافظه‌کار یا میانه‌رو و اصولگرا مطرح کرده‌اند. هدف از این اقدامات، تولید نوعی فراموشی و غفلت است تا از این طریق مردم به این امر فکر نکنند که به مشروعیت رژیم دیکتاتور، نژادپرست و ضد زن رأی داده‌اند و از این طریق نیز مردم را به این باور می‌رسانند که اختیار انتخاب میان بد و بدتر را دارند. هنگامی که زنی جوان تهرانی بعد از انتخابات به خبرنگار سوئدی می‌گوید: "به گزینه بد رأی دادم برای این که بدتر قدرت را به دست نگیرد"، در عالم غفلت قرار دارد، چرا که بر این واقعیت آگاه

نیست که به استمرار دیکتاتوری و پابرجایی سیاست‌های زن‌ستیزانه رأی داده است. همچنین هنگامی که آمارهای رسمی و حکومتی نشان می‌دهند که اصلاح‌طلبی همچون خامی و میانه‌روی همچون روحانی‌بیشترین رأی را در کردستان کسب کرده‌اند، بر این حقیقت صحنه می‌گذارد که این مردمان در غفلت به سر می‌برند، زیرا آگاه نیستند که به رژیم رأی داده‌اند که در کردستان سیاست نژادپرستی و استثمار را در پیش گرفته است. در واقع رأی دادن مردم به گزینه‌های اصلاح‌طلب و به اصطلاح میانه‌رو، بهترین راه ممکن برای استمرار حاکمیت رژیم است. تفاوت جناح به اصطلاح میانه‌رو یا اصلاح‌طلب با دیگر جناح‌های حکومتی در این است که قصد دارند با بکارگیری سیاستی نرم و فریبکارانه، به طرز مؤثرتری مردم را در خواب غفلت فرو ببرند. رأی دادن به این افراد، به منزله‌ی اعلام رضایت و خرسندی نسبت به سیاست‌های نژادپرستانه و استعماری جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. طی دو سال گذشته، پیشمرگه از جان‌گذشتگی بسیاری از خود نشان داده است. دوباره باید تأکید کرد که در راسان، قیام مسلحانه و مبارزات مدنی مکمل یکدیگر شدند. نقطه‌ی آغازین در راسان -از لحاظ تئوریک- اعتراف به نقش اصلی "قدرت" به مانند فاکتور تعیین‌کننده در سیاست است. این دیدگاه رئالیستی را باید در فضای سیاسی ایجاد شده بعد از جنگ سرد و سلطه‌ی تفکر لیبرالی مورد تحلیل قرار داد. متفکرین لیبرالیسم و احزاب لیبرال و سوسیال‌دمکرات آمریکا و اروپا خوشبینانه بر این باور بودند که با پایان جنگ سرد دیگر "قدرت" تعیین‌کننده بستر سیاست نخواهد بود، بلکه دیالوگ، دیپلماسی و ساختار دمکراتیک در سطح بین‌المللی و ملی جای نیروی نظامی را خواهد گرفت. به عنوان مثال اتحادیه اروپا بر اساس همین تفکر بنیان نهاده شد. با نگاهی به آرشیو اسناد منتشره‌ی حزب دمکرات متوجه می‌شویم که این حزب نیز از سال‌های ۹۰ به این سو دچار این خوشبینی شده بود. اما همان گونه که در غرب این خوشبینی مورد تردید قرار گرفت - آن هم بعد از استمرار و بگرنج‌تر شدن مشکلات بین‌المللی و علی‌الخصوص بازگشت دوباره روسیه به صحنه‌ی تحولات بین‌المللی که به کرات برای نیل به اهداف ژئوپولیتیک خود از قدرت نیروی نظامی خود بهره می‌برد- بسیار طبیعی خواهد بود که حزب دمکرات نیز در این مورد تجدید نظر کند. آغاز "راسان" به بیان دیگر، پایان دادن به این نوع خوشبینی



هجوم موشکی محدود و پیامی نامحدود

البرز روئین تن

ترجمه: شازام کرمانی

بعد از بمباران هوایی شهر ادلب -تحت کنترل اپوزیسیون سوریه- توسط نیروی هوایی بشار اسد که موجب قربانی شدن بیش از ۱۰۰ نفر از مردم این شهر و مصدوم شدن صدها نفر دیگر به دلیل استنشاق گاز شیمیایی شد، جهان بار دیگر شاهد بکارگیری سلاح‌های ممنوعه از سوی حکومتی علیه شهروندانش بود. این هجوم بازتاب گسترده‌ای در سطح جهانی داشت و سازمان ملل نیز نشستی فوری در این راستا برگزار کرد. هر چند که دولت اسد بکارگیری سلاح شیمیایی را انکار می‌کرد، اما با تمام این اوصاف جهان و غرب به این سخنان توجهی نکرد و رژیم اسد را عامل این کشتار معرفی کرد و حتی به انتقاد جدی از جمهوری اسلامی ایران به عنوان حامی این رژیم پرداخت. بعد از این هجوم، آمریکا فی‌الوقت

چه از طریق سازمان ملل و چه از زبان ترامپ این کشتار را به شدت محکوم کرد و عملاً نیز با هدف قرار دادن فرودگاه نظامی "الشعیرات" - که به باور آمریکا هجوم اخیر از آن محل انجام شده بود- با پرتاب ۵۹ موشک "تاماهوک" به مقابله با تکرار این گونه تهاجمات پرداخت. این هجوم در حالی صورت گرفت که رئیس‌جمهور چین نیز در فلوریدا میهمان ترامپ بود، که این هم معنای خود را دارد. همچنین بعد از این هجوم، جهان به روسیه به عنوان یکی دیگر از ابرقدرت‌های جهان چشم دوخته بود، چرا که این حمله در نوع خود پاسخی بود به روسیه در قبال حمایتش از این رژیم، علی‌الخصوص که شایعاتی مبنی بر وجود هواپیماهای روسی در این فرودگاه نیز وجود داشت. از همان ساعات اولیه پیروزی ترامپ و موج ناراحتی یا خوشحالی کشورهای خاورمیانه در مقابل این پیروزی، تأییدی بر این امر بود که جهان شاهد تغییرات اساسی در سیاست ابرقدرتی همچون آمریکا

خواهد بود. چرا که سیاست خارجی او با امکان مداخله ایران در امور داخلی کشورهای منطقه را مهیا کرده بود، مداخلاتی که خود موجب امتیازگیری از دنیای غرب در زمان نشست با کشورهای غربی می‌شد. به همین خاطر جهان به گونه‌ای نظاره‌گر هجوم آمریکا به سوریه آن بوده است. این هجوم موشکی محدود حامل چندین پیام بود که تنها رژیم دیکتاتور سوریه را خطاب قرار نمی‌داد، بلکه حکومت‌های دیگری را نیز در بر می‌گرفت. به همین خاطر هرچند روی کار آمدن ترامپ و در پیش گرفتن سیاست‌های نوینی در منطقه از اهمیت زیادی برخوردار بود، اما به نظر می‌رسد که پیام هجوم موشکی آمریکا به سوریه نیز اهمیت خود را داراست. اولین پیام این هجوم، خاطره عراق را به اسد یادآوری کرد، چرا که آن زمان نیز به بهانه وجود سلاح‌های شیمیایی، رژیم عراق مورد حمله قرار گرفت. همچنین

به صورت عملی نشان دهنده آن بود که دولت ترامپ در اجرای سیاست‌های خود راسخ است و حتی اگر لازم باشد از گزینه‌ی نظامی و حمله موشکی بهره می‌برد که آن هم مرزی است که برای رفتار رژیم‌های سرکش قرار می‌دهد. پیام دوم، رژیم ایران را مخاطب قرار می‌دهد، چرا که علاوه بر اتوریته‌ی ایران بر اسد و سوریه، اتوریته‌ی ایران بر نیروی هوایی رژیم سوریه و استفاده از خلبانان ایرانی از سوی نیروی هوای اسد است که چگونگی این امر چندان روشن نیست، به همین خاطر قسمت اعظم استمرار جنگ و بقاء اسد ایجاد آشوب در میان روسیه و ترکیه و نیز سوریه و ترکیه از طریق همین نیروی هوایی بوده، امری که ایران را به تنها بازیگر حاضر در این جنگ بدل ساخت که کاملاً توانست نقشه‌هایش را پیش ببرد. اما حمله موشکی آمریکا بیانگر پایان این دوره بود، چرا که آمریکای دوران ترامپ دیگر تنها نظاره‌گر رویدادها نیست،

بلکه موضع خود و واکنش خود را خواهد داشت. علی‌الخصوص هجوم موشکی به فرودگاه و هواپیماها، حامل این پیام است. پیام سوم این حمله رو به روسیه است، چرا که روسیه بنابر دسیسه‌ی ایران به داخل باتلاق سوریه کشیده شده است، این هجوم بدون هماهنگی با روسیه و تنها مطلع ساختن این کشور آن هم چند ساعت پیش از تهاجم، حامل پیامی روشن به روسیه بوده است که دیگر باید دست از حمایت رژیم اسد بکشد و از معادلات ایران خود را خارج کند و گرنه آمریکا در مقابلش خواهد ایستاد، حتی اگر چنین معادله‌ای دارای بازیگری همچون روسیه باشد. همچنین حمله‌ی مذکور این حقیقت را به اثبات رساند که روسیه نمی‌تواند همچون آمریکا ابرقدرتی دائم باشد، بلکه امکان چشم‌پوشی از او نیز هست و این امر امکان بازنگری روسیه در سیاست‌های خود را مهیا می‌کند که از معادلات رژیم ایران -که تنها خود از آن نفع می‌برد و



اهمیت هویت در جنوب کردستان

و تعریف نوین ملت



سهراب کریمی

پروژه ملت‌سازی کردها همچنان که شواهد تاریخی نشان می‌دهد، از خیلی وقت پیش شروع شده است، اما جنگ‌های خانمانسوز و تبدیل شدن کردستان به میدان جنگ سلاطین به ویژه در دوره صفوی و عثمانی، باعث ویرانی شهرها به عنوان مراکز رشد فرهنگ و تمدن، شتاب این پروژه را چنان کند نمود که تا به امروز ادامه دارد. همچنان که نشان داده شد، تحولات پنج قرن اخیر در کردستان چنان متلاطم بوده است که پروژه ملت‌سازی کردها با جاهای دیگر متفاوت بوده است. تعاریف محصول جاهای دیگر است و کشمکش‌گفتنی بر سر تعاریف متنوع از "ملت" بین کردها و مراکز فکری کشورهاییه که بر کردستان مسلط هستند، چنان مناقشه‌برانگیز بوده است که اگر کردها بر ملت بودن خود پا می‌فشردند، در آن سوتر دولت‌ها و مراکز فکریشان با استفاده از تنوع تعاریف ملت، در جهت انکار ملت بودن کردها تأکید می‌کردند. این سردرگمی در تعریف ملت، کربودگی را به اندیشه و می‌دارد و این تعریف در کرماشان و ایلام و زد و خورد میان آرای متضاد با پیش‌فرض سیاسی به بار می‌نشیند و تعریفی از ملت برای کرد و حتی برای دیگر ملت‌های فرودست به ادبیات سیاسی افزوده می‌شود چنان که گفته شد، سرزمین‌های کهن دارای پیشینه اتنیکی و تاریخی هستند و این پیشینه ساختاری فرهنگی را به وجود آورده است که همچون سایر ساختارها انسان محصول ساختار را بازتولید می‌کند و بدون این ساختار، معانی به نسل‌های بعد انتقال داده نمی‌شود و بدون این ساختارها توان انتقال معانی خرد جمعی به کودک امکانپذیر نیست. این ساختارها لایه اجتماعی هویت جمعی را شکل می‌دهند و البته همچنان که هویت فردی و بیولوژیک انسان خواستار ماندگاری و جاودانگی است، لایه اجتماعی هویت جمعی تمایل به ماندگاری دارد. در دوران مدرن، تهاجم دولت‌ها در جهت آسیمیلاسیون ملت‌های تحت ستم و تلاش برای نابودی زیرساخت‌های اجتماعی که پایه هویت جمعی است، تمایل به مقاومت را به وجود می‌آورد و راهکار آن هم تعیین کبان سیاسی برای حفظ این زیرساخت هویتی است. پس در این تعریف، ملت دو بُعد دارد: یکی بُعد تاریخی و هویتی که بر ساختار اتنیکی بنا شده است و دیگر بُعد سیاسی که در پیوند مستقیم با بعد هویتی قرار دارد، یعنی در تولد ملت قرار سیاسی جمعی بر زیر ساخت اتنیکی بنا می‌شود که البته باید گفت در این تعریف بخش سرزمینی هم مهم است چرا که بسیاری از اتنیک‌ها با اشتراکات زبانی و فرهنگی دارای کبان جغرافیایی نیستند و همچون شهروندانی متمایز در بین دیگر ملت‌ها پراکنده‌اند، همچون کولی‌ها و یا پراکنده شدن بخشی از یک اتنیک در کشورهای دیگر. مثال

آن هندی‌ها در انگلیس که در این میان بُعد سیاسی ملت‌ها پیوندی با سرزمینی دارد که ملت با اکثریت مطلق در آن سکنی گزیده‌اند و اهمیت بخش سرزمینی در این است که تعیین سرنوشته سیاسی، در واقع به معنای مدیریت سیاسی ملت‌ها بر خود در مکان جغرافیایی است. ملت‌ها دارای قرار سیاسی مشترک هستند. یعنی این نیز به نوبه خود به خوانش ملت‌ها از خود مربوط است ملت‌ها اندوخته‌های فرهنگی و آثار هنر و فکری ادبی خود را که به نحوی در جاودانه کردن ملت‌ها نقش دارد، از آن خود می‌دانند. برای یک کرد، آثار ادبی و هنری از هر گوشه از کردستان باشد، از آن همه کردهاست. همچنان که آثار احمد خانی، مولوی تاوه‌گوزی، شاخوشین، نالی، محوی، وفایی و ارکوازی با هر لهجه‌ای از برای همه کردستان است و مقامات آواز و گورانی کوردی همچون هوره و سیاچمانه و کوچر و حیران و لاوک و ده‌نگبیزی در خزانه فرهنگی ملی جای دارد و برای تمام کردها به اشتراک گذاشته شده است. در کرماشان و ایلام کردها می‌دانند که فارس‌ها با نام ایرانی تنها آثاری را ملی می‌دانند که فارسی باشد و اگر خیلی تواضع به خرج دهند، آثار ملت‌های زیردست را محلی می‌نامند. در تاریخ ادبیات کردی تفاوتی بین شاخوشین و حاجی قادر کویی و ملای جزیری وجود ندارد و یا نواهای محمد عارف جزیری، حسن زیرک، علی مردان و علی نظر، در خزانه ملی موسیقی کردی قرار دارد و یا در فرهنگ لغات کردها، واژگان لهجه‌های کردی بدون هیچ فرقی در کنار هم هستند. این نشان می‌دهد که هویت کردی داری یک بنیان مشترک ملی است و اگر چه تلاش‌های سیستماتیک حکومت‌های چهارگانه منطقه باعث شده

است که انشقاق‌های سطحی در بین نسل‌های کردها ایجاد کند، اما زیر ساخت‌های هویتی کردی چنان قوی است که می‌توان آن را به سهولت بازسازی کرد و چنانچه استیلای پلیسی حاکم بر کردستان کنار زده شود، تمایل موجود در گفتن کردی این انشقاق‌ها را ترمیم می‌کند. در اینجا به مناظرات کردها در دانشگاه‌ها با ناسیونالیست‌های فارس اشاره‌ای می‌شود: در زمانی که کردها خواستار آموزش به زبان کردی بودند، بحث‌های بسیار شدیدی انجام می‌گرفت. بیشتر فارس‌ها روی این تأکید می‌کردند که: "ما همه ایرانی هستیم، من کردها را دوست دارم"، در جواب کردها می‌گفتند: "اگر ما ایرانی هستیم، پس زبان و فرهنگ ما هم ایرانی است. پس چرا دولت‌ها اجازه تدریس زبان ما را نمی‌دهند؟"، "پس چرا یک بار یک فارسی را ندیدیم که تلاش کند زبان کردی را یاد بگیرد و برای حفظ زبان کردی تلاش کند؟"، "پس چرا یک بار جریانی از داخل فارس‌ها بلند نشد که از احقاق حقوق پایمال شده میلیون‌ها کرد دفاع کند و هر بار کردها خود خواستار احقاق حقوقشان هستند شما یا سکوت می‌کنید یا در امر سرکوب به دولت‌ها کمک می‌کنید؟"، "شما کردها را نمی‌خواهید، بلکه خاک و سرزمین آنها را می‌خواهید." "پس چرا نویسندگان فارس همه تاریخ ایران را به فارس‌ها و زبان فارسی ربط می‌دهند، اما سعی می‌کنند دیگر ملت‌ها را در تاریخ حذف کنند؟" این مناظره‌ها که دقیقاً بین دانشجویان کرد و ترک در دانشگاه‌های ترکیه هم دنبال می‌شد، نشان از زیر ساخت مشترک گفتنی کردها دارد و گوشه‌هایی از تقابل کردها با فارس‌ها به خوبی نشان می‌دهد که اراده و عزم کردها دارای مفهوم‌بندی گفتنی

است که توان مقابله با آن توسط گفتن‌های فارسی بسیار مشکل است چرا که در نهایت گفتن کوردایه‌تی بر روی مسائل پافشاری می‌کند که به حقوق انسانی آنها مربوط است و برساخته‌هایی نیست که زیر مفاهیم ایدئولوژیک مستتر شده باشد. این حقوق در چهارچوب پرنسپ‌های دمکراتیک، قابل وصول است و با ارزش‌های دمکراتیک و حقوق بشری سازگار است. کردها خوب می‌دانند که اساساً به دنیا آمدن انسان‌ها اگر چه محصول تولد و زیست بیولوژیک است، اما در نهایت بر اساس اختیار فرد نیست و تولد افراد و زندگی در محیط اجتماعی هم اختیاری نیست. پس در نهایت هویت ملی، زبان و جنسیت و نژاد جبریست و چون جبری و جهانشمول است، پس مرتکب گناهی نشده‌اند که به دلیل قومیت و نژاد و ملیت و جنسیت تاوان پس دهند و مورد ستم قرار بگیرند، چرا که این تنها ویژگی کرد نیست، بلکه دیگر ملیت‌ها و نژادهای بشر نیز به انتخاب خود آنها نبوده است. پس کسی بر کسی برتری ندارد یا ملتی بر ملت دیگر برتری ندارد و حتی منتسب بودن به ملت یا نژاد یا جنسیتی اساساً نه افتخار است و نه کسر شأن. آنچه که در این روند اهمیت دارد، این است که جبری بودن زندگی برای آحاد بشر یک اصل مشترک و توأم با آن، مستلزم آزادی و حقوق برابر است. این حقوق هم بر پایه ارزش‌های جهانشمول است که بنیاد پرنسپ‌های دمکراتیک است و این ارزش‌ها در سراسر جهان و در میان تمامی آحاد بشر فارغ از تفاوت‌های جنسیتی، ملیتی، نژادی، مذهبی و عقیدتی تغییری نمی‌کند، چرا که اساس زندگی جمعی انسان‌ها بر آن قرار دارد. بنابراین حق تصمیم جمعی و سرنوشته ملی هم در راستای این ارزش‌ها

بوده و در چهارچوب پرنسپ‌های دمکراتیک قابل دستیابی است. اما آنچه که در مناسبات سیاسی دیده می‌شود، به ویژه در ارتباط با ملت‌های فرودست و به ویژه کردها، برتری‌طلبی یک ملت بر این ملت‌های دیگر است. کردها بر این امر واقف هستند که آنها از بدو تولد در مناسباتی زیر دست هستند و به تاوان کرد بودن در ابعاد مختلف مورد تبعیض قرار گرفته زبان و فرهنگ آنها تحقیر می‌شود و به تاوان کرد بودن در تقسیم منابع اقتصادی مورد ستم قرار می‌گیرند. تلاش‌های سیستماتیک در جهت انهدام زیرساخت‌های جامعه آن‌ها صورت می‌گیرد و این رویکرد در تقابل با ارزش‌های انسانی و پرنسپ‌های دمکراتیک است. اساساً این برتری‌بینی، ارزش‌گذاری انسان‌ها بر پایه زبان و ملیت هم‌مون فارس است. این برتری‌طلبی، بازتولید فاشیسمی مستتر در ذهنیت برساخته است که بعد از مشروطه توسط روشنفکران فارس و یا کسانی که اعتقاد به فاریزیزه کردن دیگر ملت‌ها داشتند، ساخته و پرداخته شده است. اما مقاومت کردها و پایبندی به ملیت خود در چهار چوب جنبشی رهایی‌بخشی قرار می‌گیرد، چرا که بنیاد ارزشی گفتنی جنبش کردها بر پایه احقاق حقوق خود است، اگر چه تلاش برای تشکیل واحد سیاسی بر پایه ملت، در تعاریف ناسیونالیسم قرار می‌گیرد، اما این متفاوت از ناسیونالیسمی همچون ناسیونالیسم فارسی است، چرا که ناسیونالیسم فارسی یک ناسیونالیسم برتری‌طلب و خواستار تصاحب سرزمین دیگر ملیت‌هاست، اما ناسیونالیسم کرد یک جنبش ملی رهایی‌بخش و خواستار رفع تبعیض و حق ادامه حیات کبان جمعی است. بنابراین دال مرکزی جنبش کوردایه‌تی

"احقاق حقوق" است و هنگامی که بنیاد کنش سیاسی، احقاق حقوق افراد کنشگر باشد، این جنبش بر اساس ارزش‌های حقوق بشری و دمکراتیک مشروع و مقبول است، لذا به نظر می‌رسد که رابطه بین هویت ملی به عنوان مبنایی برای کنش از آنجا حائز اهمیت است که این کنش‌ها هستند که معرف اصلی انسان مدرن هستند و در جهت دستیابی به آزادی که بدون رهایی از سلطه و اقدام کنش‌های معنادار جمعی و فردی می‌باشد، قابل ارزش‌گذاری است، بنابراین، رفتار کنش‌آمیز کردها هم‌زمان چندین هدف را دنبال می‌کند: اول مبارزه علیه استیلای سلطه‌گران و دوم برای حفظ زیرساخت اجتماعی و سوم کنشی سوپراکتیو همچون اقدامی دمکراتیک. این خود بزرگ‌ترین انگیزه برای فعالین کرد است که راهی که در پیش گرفته‌اند، راهی منتج به نتیجه عقلانی و ارزشی است، چرا که دمکراتیک بوده و هر جریانی که در مقابل آن قرار گیرد، ناچار است که ارزش‌های دمکراتیک را پایمال کند. این اصل‌ترین عامل پایداری جنبش کردهاست. در واقع همچنان که اشاره شد، گفتن کردی دارای پیشینه تاریخی است و پیوند زدن ملی‌گرایی کرد با ارزش‌های دمکراتیک هم به همین روند تاریخی کردها به ویژه در کردستان ایران برمی‌گردد. گفتن کوردایه‌تی از ابتدای مرحله نوین خود یعنی از جمهوری کردستان، خواهان احقاق حقوق خود در چهارچوب دمکراسی بوده است و پیوندی قوی بین ارزش‌های دمکراتیک و خواسته‌های ملی وجود دارد که در این خواسته‌ها به صورت پروژه ملی دمکراتیک توسط احزاب کرد تئوریزه شده است. دکتر عبدالرحمان قاسملو این تئوری‌ها را به شیوه‌ای تئوریزه کرده است که هم‌زمان توان تعامل با دولت مرکزی و بخش‌های دیگر کردستان را در این تئوری تعبیه کرده است، اما با توجه به تحولات عمیق در دهه‌های اخیر ضروت به‌روزرسانی آن برای نسل جدید کاملاً احساس می‌شود. جان کلام این است که گفتن کوردایه‌تی چون بنیادی حق‌خواهانه دارد و نیز با ارزش‌های دمکراتیک مطابقت دارد، بر عکس جنبش‌های ایدئولوژیک، تاریخ مصرف زمانی ندارد، بلکه جنبشی است که تا احقاق حقوق کردها ادامه دارد و بعد از آن هم در نهادهای حقوقی و سیاسی و آموزشی در جهت رفاه و پیشرفت شهروندان کرد باید به کار گرفته شود که در اینجا باید جنبش ملی کردها تکرار جنبش‌های ضد استعماری در نیمه اول قرن بیستم و حتی حکومت اقلیم کردستان نباشد، چرا که جنبش‌های ضد استعماری توانستند دول استعمارگر را از سرزمین‌هایشان بیرون کنند، اما بعد از استعمار هیچ برنامه‌ی جامعی در جهت مدرنیزه کردن جامعه و استقرار دمکراسی و اقتصادی پیشرفته نداشتند. چنین است که جنبش کردی در کرماشان و ایلام با دور اندیشی به سرنوشته ملت خود حتی پس از آزادی هم می‌اندیشد.



تراژدی کولبران در کردستان ادامه دارد

همچنین روز یکشنبه بیستم فروردین‌ماه نیز نیروهای هنگ مرزی سردشت با شلیک گلوله، کولبر جوانی را به شدت مجروح کردند. در سال جاری حداقل به ۸ کولبر کُرد شلیک شده است. بر اساس آمارهای آژانس خبرسانی کردپا، در سال گذشته (۱۳۹۵)، ۱۵۴ کولبر در حوادث مختلف تیراندازی، انفجار مین، سرما، تعقیب و گریز کشته و یا زخمی شده‌اند.

جسد این کاسبکار کُرد به سردخانه‌ای در بانه تحویل داده شده است. همچنین صبح روز چهارشنبه ۲۳ فروردین‌ماه کولبر دیگری با نام آزاد محمودی در نزدیکی روستای مرزی "چومان" هدف گلوله‌ی نیروهای نظامی ایران قرار گرفت. این جوان ۲۴ ساله اهل روستای "چی‌چوران" پس از اصابت تیر، به شدت مجروح شده و به سبب ممانعت نیروهای مرزی رژیم و عدم رسیدگی پزشکی، در بیمارستان جان خود را از دست داد.

دو کاسبکار مرزی پس از اصابت گلوله جان خود را از دست دادند. تیراندازی سحرگاه روز بیست و چهارم فروردین‌ماه در سقز به مرگ دو سرنشین خودروی متعلق به کاسبکاران این شهر شد. خبرنگار کُردپا هویت شهروند جان‌باخته را عطا حسینی اعلام کرد. حادثه زمانی روی داد که خودروی شهروندان کُرد در نزدیکی پُل روستای "مام سیف‌الدین" سرشیو هدف تیراندازی مستقیم قرار گرفته و یکی از آنان در دم کشته شد.

بنابر آنچه که گزارش شده، بخش زیادی از لوازم و اثاثیه مردم توسط نیروهای رژیم نابود شده است و همچنین دو دستگاه اتومبیل متعلق به اهالی کردستان عراق نیز به دست نیروهای رژیم ایران به آتش کشیده شده است. همچنین تیراندازی نیروهای مسلح رژیم در سقز و بانه به مرگ دو شهروند کُرد انجامید. به گزارش آژانس خبرسانی کُردپا، طی دو فقره شلیک مستقیم تیر از سوی مأموران انتظامی رژیم،

از: "رحمت" ساکن روستای بیواران، "سیامند" ۱۸ ساله اهل روستای "آلان"، "محمود حمزه‌ای" فرزند قادر و احمد مام قادر. در این هجوم "احمد مام قادر" به علت شدت جراحات جان خود را از دست داده و ۲ زخمی دیگر نیز برای درمان به بیمارستان شهر "قلعه دیزه" در کردستان عراق منتقل شده‌اند. قابل ذکر است سه شهروند دیگر طی هجوم مذکور بازداشت شده‌اند که تاکنون اخبار موثقی در مورد آنان در دست نیست.

در هجوم نیروهای نظامی رژیم جمهوری اسلامی ایران به تجمع کولبران در منطقه "هوردران" از توابع شهرستان سردشت، چندین کولبر کشته و زخمی و نیز تعدادی بازداشت شده‌اند. بنابر اخبار رسیده به آژانس خبرسانی کُردپا، روز شنبه ۲۶ فروردین، طی هجوم نیروهای نظامی ایران اسلامی به محل کولبران در شهرستان سردشت حداقل ۴ نفر کشته و زخمی شده‌اند. هویت افراد مذکور عبارت است



عقوبین الملل: ۵۵ درصد اعدام‌ها در ایران

صورت می‌گیرد

از طرف دولت‌ها وجود دارد. بر پایه‌ی گزارش سازمان ذکر شده، ایران پس از چین دومین کشور در مورد اعدام شهروندان خود محسوب می‌شود. سازمان عفو بین‌الملل توسط یک وکیل انگلیسی به نام "پیت بنسون" در سال ۱۹۶۱ میلادی در شهر لندن تاسیس و اهداف این سازمان دفاع از حقوق بشر هرآنچه که در اعلامیه حقوق شهروندان جهان و میثاق‌های بین‌المللی که به آن اشاره شده است، گام برمی‌دارد.

از اعدام‌های ثبت شده در ایران در سال ۲۰۱۶ میلادی در ملاً عام انجام شده است. طبق گزارش سالانه این سازمان، دست‌کم دو متهم که در نوجوانی مرتکب جرم شده‌اند، و اعدام آنها برخلاف میثاق‌ها و تعهدات بین‌المللی است، و هشت شهروند زن نیز در میان اعدام‌شدگان سال گذشته میلادی هستند. شیارا سن‌جورجیو، از مشاوران سازمان عفو بین‌الملل بیان کرده است: نگرانی‌های فزاینده‌ی در مورد "پنهان کردن" آمار واقعی اعدام‌ها

سازمان عفو بین‌الملل در جدیدترین گزارش سالانه خود اعلام کرد که بدون احتساب چین، ۵۵ درصد اعدام‌ها در ایران انجام شده است. سازمان عفو بین‌الملل روز ۲۲ فروردین ۹۶ در گزارش سالانه خود اعلام کرد در سال ۲۰۱۶ بدون احتساب چین، ۵۵ درصد کل اعدام‌های جهان در ایران انجام شده است. به گفته سازمان مذکور، مجموعاً ۵۶۷ مورد اعدام در سال ۲۰۱۶ میلادی در ایران ثبت شده است. سازمان عفو بین‌الملل همچنین می‌افزاید: دست‌کم ۳۳ مورد

صدور حکم ۵ سال زندان برای فعال سیاسی کُرد

یکی از احزاب کُردی مخالف رژیم ایران" دستگیر و بازداشت گردیده است. قابل ذکر است محاکمه‌ی "بشیر پیر ماوانه" در شعبه‌ی ۲ دادگاه انقلاب ارومیه با قضاوت "شیخلو" انجام شده است. بنابر آمار ثبت شده در مرکز آمار آژانس خبرسانی کُردپا، ۵۶۴ شهروند کرد طی سال گذشته‌ی خورشیدی از سوی نیروهای امنیتی-اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران بازداشت شده‌اند که تاکنون مجموعاً ۱۱۹ نفر از این تعداد با صدور حکم و زندان روبرو شده‌اند. پیشتر شیرین عبادی، فعال سرشناس حقوق بشر طی مصاحبه‌ای اعلام کرده بود که "تکلیف سیستم قضایی ایران روشن است و سال‌هاست که استقلال خود را از دست داده به بخشی از سیستم امنیتی-اطلاعاتی ایران بدل شده است."

دادگاه انقلاب شهر ارومیه، یک فعال سیاسی کُرد را به پنج سال زندان محکوم کرد. بنابر گزارش منتشره از آژانس خبرسانی کُردپا، طی روزهای اخیر شعبه‌ی ۲ دادگاه انقلاب شهر ارومیه یکی از فعالین سیاسی کُرد به نام "بشیر پیر ماوانه" اهل یکی از روستاهای ارومیه را به پنج سال زندان محکوم کرد. سایت حقوق بشری کوردستان طی خبری اعلام کرد، "بشیر پیر ماوانه" در مورخه‌ی ۱۴ اسفند ۱۳۹۵ از سوی نیروهای وزارت اطلاعات بازداشت شده است. بنابر این خبر، "بشیر پیر ماوانه" به مدت ۱۲ روز در بازداشتگاه وزارت اطلاعات مورد بازجویی قرار گرفته و بعداً به زندان مرکزی ارومیه منتقل شده است. فرد مذکور به اتهام "همکاری با

